

## حقیقت اسرار عبادات (نماز، حج) از دیدگاه آیت الله عبدالله جوادی آملی و مقایسه با دیدگاه علامه محمد حسین طباطبایی

فریده پور سیاحی<sup>۱</sup>

مریم بختیار<sup>۲</sup>

فرج الله براتی<sup>۳</sup>

### چکیده

این پژوهش با هدف بیان دیدگاه‌های آیت الله علامه محمد حسین طباطبایی (ره)، آیت الله عبدالله جوادی آملی در باب حقیقت اسرار عبادات (نماز، حج) انجام شده است. غرض از تشریح حقیقت اسرار عبادت، توجه دادن انسان به موقوف خاص و ممتازی است که در عالم هستی دارد و آن، شناخت مبدا و آفریدگار جهان، به کمال مطلق است، و سپس حرکت و سیر روحی به سوی او، ریختن همه گونه آلودگی‌های مادی از نواحی وجود و تشدید جوهر نفس و منور شدن به نور حق است. لذت بردن از این احساس نیل به قرب جوار خدا که جمال مطلق و کمال بی صداست و این همان فضیلت عالی زهد و انقطاع از دنیا است که مولود نور عرفان و توجه کامل انسان به عالم بالاست اما در میان عبادات نماز خاصیت تنویر جان آدمی به نور ذکر و مناجات با خدا است و خداوند می‌فرماید. نماز برای من به پا دار نماز ستون دین است و با پذیرفته شدن آن سایر اعمال نیز پذیرفته خواهد شد و لذا اسرار آن ستون رازهای دین است و اگر اسرار نماز به دست آمد و مشاهده شد رازهای سایر اعمال نیز مورد دستیابی و مشاهده قرار خواهد گرفت. امتیاز عبادت حج در میان انواع عبادات این است که هم خاصیت تدبیر دارد هم مایه تزیین است هم رفع ظلمت حب مال از دل می‌کند و هم نورانیت ذکر و انس با خدا می‌آورد اما فضیله بزرگ حج در بین عبادات، از اهم فرایض است قرآن کریم، کعبه را رمز هدایت برای جهانیان خواند هدی للمتقین در این مقاله با توجه به آثار و اقوال آیت الله علامه محمد حسین طباطبایی (ره) و آیت الله جوادی آملی در خصوص این دو فریضه بزرگ یعنی نماز و حج به بررسی اسرار باطنی آنها جهت تنویر خوانندگان پرداخته شده است.

### واژگان کلیدی

نماز، حج، اسرار، عبادات، باطن، ظاهر.

۱. دانشجوی دکتری عرفان اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

Email: FARIDEHPOUR.1400@GMAIL.COM

۲. استادیار گروه عرفان اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: maryambakhtyar14002021@yahoo.com

۳. استادیار گروه عرفان اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

Email: f.barati@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۶/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۵

## طرح مسأله

در نظام تکوینی هر معلولی علت خود است و در حدوث و بقا از آن پیروی کرده و در ذات و صفت و فعل فرمان آن را می‌برد و هیچگونه گسستگی در رشته علیت و معلولیت راه ندارد. نه علت از اشراف و افاضه باز می‌ماند و نه معلول از انقیاد و خضوع سرباز می‌زند. بی‌نیازی معلول، که صرف نیاز به علت است، از علت خود، که لازمه ضروری و عین افاضه بر معلول است، با اساس علیت و معلولیت سازگار نیست، از این رو سراسر جهان امکان که معلول خدای سبحان است، بنده محض حق بوده و آنی از امتثال دستور تکوینی آن حضرت تمرد ندارد. هر آنچه در عالم هست نشان از عزت و معرفت خداست و همه به سوی او در حرکتند. عالم دنیا باطنی دارد زیرا دنیا تنزل یافته عوامل بالا است و هر چه در عالم دنیا است نمونه‌ای از عالم معنا است. احکام و قوانین الهی هم که در دنیا به صورت دین و دستورات عبادی ظهور کرده اسرار و باطنی دارد. عبادت که به عنوان هدف آفرینش انسان تعیین شده است حکمتی دارد. حکمت عبادات غیر از آداب و احکام آن است. انسان با سر عبادت محشور میشود باطن عبادت است که با باطن انسان در ارتباط است و حشر انسان نیز با همان خواهد بود انسان به عنوان برترین مخلوق الهی که همه در برابر او باید به سجده در آیند جلوه گر عبادت آگاهانه شد، به هستی قدم نهاد تا با عبودیت خویش، ربوبیت کسب نماید (جوادی آملی، ۱۳۶۷). عبادت که هدف آفرینش انسان است، اسراری دارد؛ اسرار عبادت غیر از آداب و احکام آن است. احکام عبادت، همین واجبات است که در کتاب‌های فقهی بیان شده است، مانند واجبات و ارکان نماز. آداب نماز مانند آهسته دعا کردن، پاره‌ای از این آداب در کتاب‌های فقهی آمده است و برخی در کتاب‌های اخلاقی، اما اسرار عبادات ارواح و باطن‌های عبادت است که با باطن انسان در ارتباط است و انسان با باطن عبادت محشور می‌شود، این گونه بحث‌ها در کتاب‌های عرفانی بیان شده است. عبادات ظاهری دارند و باطنی و سری، که با یادگیری آن اسرار باید بدان‌ها عمل کرد. نماز خواندن و روزه گرفتن و وضو گرفتن و حج رفتن، انجام اعمال حج و دیگر تکالیف جزء احکام الهی است. هر یک از احکام برای آن است که انسان به اسرار آنها پی‌برد و آزاد شود (جوادی آملی، ۱۳۷۶). ترتیب در هر عبادتی، دلیل

روشنی است بر اینکه اعمال و اجزای آن عبادت در طول همدیگر هستند و درک حقیقت هر یک از اجزای عبادت و انجام صحیح آن، متوقف بر درک حقیقت و انجام صحیح جزء قبلی آنهاست. کسی که نماز می خواند، هنگامی مقام و مرتبه و حقیقت تکبیرة الاحرام را درک خواهد کرد که حقیقت و مرتبه نیت را درک کرده و انجام دهد. و نیز زمانی به حقیقت قرائت و مفاد آن می رسد که تکبیرة الاحرام را نیز آن گونه که شایسته آن هست انجام دهد و درک مقام والای رکوع و انجام صحیح آن نیز متوقف بر شناختن مرتبه و حقیقت قرائت است. و همینطور سجده را زمانی می توان درک کرد و به حقیقت آن رسید که رکوع را درک کرده باشیم و سایر اعمال و اجزای نماز نیز چنین است. در حج نیز ترتیب ویژه ای برای اعمال و مناسک آن مشخص شده است. و حج زمانی به حقیقت عبودیت نزدیک می شود که اعمال و مناسک آن را با شناختن حقیقت و فهمیدن فلسفه و اسرار آنها به همان ترتیب که در شرع مقدس اسلام ذکر شده، انجام شود. در بسیاری از روایات چنانکه آمده انجام حج بدون توجه به اسرار و حقیقت اعمال حج، تنها انجام ظاهری مناسک حج است و انجام ظاهری مناسک حج در واقع رفتن به میهمانی بدون استفاده از سفره میهمانی است (زارعی سبزواری، ۱۳۹۱). با توجه به اهمیت درک حقیقت اسرار عبادات نماز و حج در این پژوهش نیز به بررسی حقیقت اسرار نماز و حج که از مهم ترین عبادت هاست از دیدگاه آیت الله جوادی آملی و علامه طباطبائی پرداخته شده است.

### پیشینه پژوهش

- زهرا حق زاده (۱۳۹۶) طی پژوهشی تحت عنوان «اسرار اعمال حج در قرآن و سنت» بیان کردند نگرشی عمیق و همه جانبه به آیات و روایات، به خوبی این معنا را ثابت می کند که حج، ظاهری دارد و باطنی و آنچه را مردم در ظاهر انجام می دهند با باطن حج فاصله بسیاری دارد و خداوند طالب حقیقت حج است و حجی را از زائرش می خواهد که در آن، روحش متحول و دگرگون شود و در عمل و روح با شیاطین بجنگد و غیر خدا را لیبیک نکوید. در این بحث به تبیین گوشه ای از اسرار حج پرداخته ایم تا زائران خانه خدا بتوانند با آگاهی به این اسرار، این سیر روحی را با سربلندی پشت سر بگذرانند. از این رو، ابتدا اسرار و فلسفه تشریح حج، و سپس اسرار اعمال عبادی عمره و حج تمتع از منظر قرآن

و روایات بیان می‌شود.

- نوری، ابراهیم؛ نیک پناه، منصور (۱۳۹۴) طی پژوهشی تحت عنوان «عبادت از دیدگاه فخر رازی و علامه طباطبائی» بیان کردند عبادت خداوند، دلیل آفرینش انسان از سوی خداوند است. بر این اساس، مفسران مختلف چون به این اصطلاح رسیده اند به توضیح و تبیین مطلب پرداخت هاند. امام فخر رازی و علامه طباطبائی، از بزرگترین مفسران اهل سنت و تشیع می باشند؛ مسلماً نوع نگاه این دو به موضوع عبادت، راهنما و راهگشای بسیاری از ابهامات در باب عبادت است و از طرف دیگر میزان نزدیکی و قرابت علمای اسلام از مذاهب مختلف را در خصوص مبانی دین نشان می دهد. این چنین پژوهش هایی می تواند، مانع از شکاف افکنی و تفرقه سازی معاندان و مخالفان اسلام و مسلمین می گردد. در این پژوهشی که از نوع کتابخانه ای و با نگاه تطبیقی است، برآنیم تا با لحاظ قرار دادن تفاسیر هر دو نویسنده، دیدگاه های آنها را با یکدیگر مقایسه نماییم. در کل با بررسی انجام گرفته، این نتایج حاصل می گردد که، عبادت را دارای مراتب و مهمترین هدف آفرینش انسان می دانند. با تأمل در کلام علامه و رازی، می توان مرز گوهر و صدف عبادت را از دیدگاه ایشان ترسیم نمود و اثبات این امر، ناموجه بودن مدعا و مغالطات کسانی را که از عبادت تفسیرهای عوامانه و غلط ارائه می کنند، روشن می نماید. شباهت دیدگاه و نگاه دو مفسر مذکور به مسأله مورد بحث مؤید این نکته است که مدعای وهابیان در مسئله عبادت، با فضای نقل و عقل مغایر است.

- صیدانلو، فاطمه؛ آراسته، محمد (۱۳۹۱) طی پژوهشی تحت عنوان «اسرار نماز» بیان کردند حمد و سپاس بی کران خدایی را سزااست که آدمی را در برهوت جهل و بی خبری به خود وانگذاشت و برای سعادت او برنامه ای الهی به نام دین قرار داد تا در مسیر حق گام برداشته و درصراط مستقیم قرارگیرد و معلمانی چون پیامبران را به سوی قافله ی بشریت فرستاد تا او را به هدف خویش هدایت کرده تا در نهایت به سر منزل مقصود آفرینش راه یابند پس بر آدمی است که این برنامه را شناخته و مسر را تشخیص دهد و پیوسته از راهنمایی هدایت کنندگان الهی بهره ببرد و در نتیجه قوم در راه گذاشته و مستقیم به سوی مقصد خویش حرکت کند و هیچگاه هدف خود را فراموش نکند تا به آن نتیجه موعود

دست یابد دین ضمن آنکه هدف جهت راه و وسیله را مشخص و تبیین می کند توان لازم را برای پیمودن راه نیز به انسان می بخشد و مهمترین توشه ای که رهروان این راه در کوله بار خود دارند همانا یاد خداست و آدمی تا زمانی میتواند با استواری و بی توقف قدم بردارد که خدا را فراموش نکند از این روست که دین میکوشد از راه ها و به وسیله های گوناگون یاد خدا را در دل دین داران همواره زنده نگهدارد مقاله حاضر بر آن است که تادرحد گنجایش به بیان اسرار این فریضه مهم دینی یعنی نماز بپردازد.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸) طی پژوهشی تحت عنوان «اسرار نهفته در اعمال حج» بیان کردند اسراری ظاهری و باطنی در اعمال حج نهفته است. اسراری که با شهود قلبی باطن اعمال و ظهور ملکوت اعمال قابل دیدن هستند.

- زحیلی، وهبه؛ رهبر، محمدتقی (۱۳۷۳) طی پژوهشی تحت عنوان «نگاهی به اسرار حج» بیان کردند با توجه به منابع قرآنی می توان نتیجه گرفت حج دارای اسراری در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و معنوی می باشد. که مهم ترین آنها منافع معنوی و دنیوی و تربیتی آن است.

## روش تحقیق

تحلیلی و توصیفی؛ از دیدگاه آیت الله جوادی آملی و علامه طباطبائی می باشد.

## حقیقت انسان و عبادات از دیدگاه آیت الله جوادی آملی

هر آنچه در عالم دنیا هست، باطنی دارد؛ زیرا دنیا تنزل یافته عوالم بالاست، هر چه در عالم دنیاست نمونه ای است از آنچه در عالم معناست. احکام و قوانین الهی هم که در دنیا به صورت دین و دستورات عبادی ظهور کرده اسرار و باطنی دارند. عبادت، که به عنوان هدف آفرینش انسان تعیین شده است، حکمتی دارد؛ حکمت عبادت غیر از آداب و احکام آن است. احکام عبادات واجباتی است که در کتاب های فقهی بیان شده است. از قبیل اینکه وضو چگونه باید انجام بگیرد؟، نماز چگونه باید خوانده شود؟ واجبات نماز چیست؟ ارکان نماز کدام است و... نیز عبادات آدابی دارد که تعدادی از آن ها را کتاب های فقهی به نام مستحبات و مقداری دیگر را کتاب های اخلاقی بیان می کند. قسمت سوم، حکمت عبادت است. وانسان با سر عبادت محشور می شود. (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۳۳)

نماز ستون دین است و با پذیرفته شدن آن سایر اعمال نیز پذیرفته خواهد شد و اگر رد شود، بقیه اعمال نیز مردود خواهند گشت، و نیز چون هر علی پیر و نماز است، لذا اسرار آن نیز ستون رازهای دین است، اگر اسرار نماز به دست آمد و مشاهده شد، رازهای سایر اعمال نیز مورد دستیابی و مشاهده قرار خواهند گرفت، پس سزاوار است سالک بکوشد و عارف تلاش کند تا به ستون رازهای دین دست یابد و سرانجام به همه زوایای دین برسد و همه آن را مشاهده نماید. باید دانست که «سر» در برابر علن قرار دارد، آن سان که «غیبت» در مقابل «شهادت» است و راز بر دو قسم است: یک؛ راز محض (رازی که هیچگاه آشکار نمی‌گردد) مانند غیب مطلق. دو؛ راز مقید و بالقیس، مانند غیب مضاف (رازی که امکان آشکار شدن را داراست). آنچه بر وجود راز برای نماز دلالت دارد دو امر است: ۱- دلیل فراگیری که وجود راز برای نماز و غیر نماز را ثابت می‌کند. ۲- دلیلی که یا ویژه نماز است، و یا به هر امر عبادی، اعم از نماز و غیر نماز، اختصاص دارد. (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۱۹-۱۸)

### حقیقت عبادت از دیدگاه علامه طباطبائی

آفرینش هستی و بعثت پیامبران (عالم تکوین و تشریح) برای عبادت است. همپنان که خداوند در آیه ۵۶ سوره ذاریات یم فرماید هدف آفرینش هستی و جن و انس، عبادت خداوند است. کارنامه همه انبیا و رسالت آنان نیز، دعوت مردم به پرستش خداوند بوده است زیرا که در آیه ۳۶ سوره نحل خداوند اشاره می‌کند که پس هدف از خلقت جهان و بعثت پیامبران، عبادت خدا بوده است. روشن است که خدای متعال، نیازی به عبادت ما ندارد چرا که در آیه ۷ سوره زمر آمده است پس همان خداوند از همه شماها بی‌نیاز است پس بی‌تردید سود عبادت، به خود پرستندگان بر می‌گردد (قرائتی، محسن، ۱۳۹۸، ص ۱۵). مرحوم علامه طباطبائی (ره) در تفسیر آیه ۵۶ سوره ذاریات می‌فرماید: «ای تعالی انسان را آفرید تا پاداش دهد، و معلوم است که ثواب و پاداش عاید انسان می‌شود، و این انسان است که از آن پاداش منتفع و بهره‌مند می‌گردد، نه خود خدا، زیرا خدای عز و جل بی‌نیاز از آن است. و اما غرضش از ثواب دادن خود ذات متعالیش می‌باشد، انسان را بدین جهت خلق کرد تا پاداش دهد، و بدین جهت پاداش دهد که الله است. پس پاداش کمالی

است برای فعل خدا، نه برای فاعل فعل که خود خدا است، پس عبادت غرض از خلقت انسان است، و کمالی است که عاید انسان می شود، هم عبادت غرض است و هم توابع آن - که رحمت و مغفرت و غیره باشد. و اگر برای عبادت غرضی از قبیل معرفت در کار باشد، معرفتی که از راه عبادت و خلوص در آن حاصل می شود در حقیقت غرض اقصی و بالاتر است، و عبادت غرض متوسط است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۵۷۹-۵۸۰). علامه طباطبایی (ره) در بیان حقیقت عبادت می فرماید: «حقیقت عبادت این است که بنده، خود را در مقام ذلت و عبودیت واداشته، رو به سوی مقام رب خود آورد. و همین، منظور آن مفسری است که عبادت را به معرفت تفسیر کرده، می خواهد بگوید: حقیقتش آن معرفتی است که از عبادت ظاهری به دست می آید. پس غرض نهایی از خلقت همان حقیقت عبادت است، یعنی این است که بنده از خود و از هر چیز دیگر بریده، به یاد پروردگار خود باشد، و او را ذکر گوید (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۵۸۲). از آن چه گفته شد نتیجه می شود که وظیفه اصلی انسان ها چیزی خارج از هدف اصلی خلقت نیست که آن عبارت است از عبودیت و بندگی کامل خداوند متعال.

### حقیقت اسرار نماز از دیدگاه آیت الله جوادی آملی

نماز، دارای حکمت، سر و آدابی است که اینک سایر عبادات نیز از این سه مؤلفه برخوردارند، اما در نماز، حکمت، در نهایت عروج و نجات از جزع و زبونی می باشد و ادب آن بازگشت به اوصاف نمازگزار دارد؛ اعم از حضور قلب، خشوع، مواظبت از التفات به غیر معبود و... اما سر نماز غیر از این هاست. آداب نماز مقدمه ای است برای رسیدن به اسرار نماز، زیرا اسرار نماز برای غیر شخص دارای ضمیر طاهر و صفای باطن و قلب سلیم میسر نمی گردد. برای نیل به باطن نماز و شهود غیب آن، باید تناسبی بین شاهد و مشهود باشد، زیرا شخص محجوب در نشئه ای است که دسترسی به ما فوق خود ندارد؛ یعنی حس، آنچه را خیال مشاهده می کند نمی بیند و خیال هم آنچه را که برای عقل قابل مشاهده است ملاحظه نمی کند (آیت الله جوادی آملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۱).

## سر وضو

ایشان بعد از بیان توضیحاتی راجع به سر و برداشتی که بزرگان از این واژه در باره نماز داشته‌اند، به روایت ابو جعفر احمد بن محمد بن خالد برقی از امام صادق علیه السلام اشاره می‌کند که از امیر المؤمنین علیه السلام ادعیه وضو را نقل کرده و هر جمله‌اش دارای مضامین عالی و کم نظیری می‌باشد. اینکه گفته شده از هر قطره وضو ملکی خلق می‌شود، نه در مورد هر وضو گیرنده و دعای وضو خوانی است بلکه وضو گیرنده‌ای مانند علی بن ابی طالب با آن زبان علوی که دعاها را علوی بخواند، باعث خلق ملک از قطره وضو می‌گردد. ایشان، برای اثبات باطن دار بودن وضو به روایتی دیگر استناد کرده‌اند که موضوعش آمدن یک شخص یهودی به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سؤالش از چند مسئله، از جمله وضو می‌باشد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در جوابش سر وضو را در شستن تک تک اعضا بیان نمودند. این حدیث در جلد دوم وسائل آمده و مضمونش در رابطه با مکرری است که شیطان لعین در مورد حضرت آدم علیه السلام به کار برد و حضرت با وضو از آن خلاص گردید می‌باشد. ایشان در ذیل احادیث مطرح شده، جملاتی را تحت عنوان فقه الحدیث آورده‌اند که در راستای بیان باطن و مفهوم احادیث است. وجود کامل برای وضو و آب در عرش و جریان آب از چشمه صاد که نام یکی از سوره‌های قرآن هم می‌باشد، از نکته‌های بازگو شده توسط مؤلف در این قسمت می‌باشند (آیت الله جوادی آملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۹).

## سر تیمم

ایشان، به مناسبت به بیان اسرار طهارت ترابیه یا همان تیمم نیز پرداخته و آن را اظهار تذلل در مقابل عزت محضه و تخضع در ساحت کبریای صرف و تخشع در نزد قدرت مطلقه دانسته‌اند. (آیت الله جوادی آملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۲)

## سر تکبیرات

اولین صله، در اسرار تکبیرات افتتاحیه می‌باشد. مؤلف، می‌فرماید: صورت نماز یکی است و همه نماز گزاران در آن اشتراک دارند اما سیره و سیرت آن متفاوت می‌باشد که این تفاوت باعث تفاوت نماز گزاران می‌شود. مؤید این کلام روایت نبوی است که می‌فرماید: «

إن الرجلین من أمتی یقومان فی الصلاة و رکوعهما و سجودهما واحد و أن ما بین صلاتیهما مثل ما بین السماء و الأرض»، این نشان‌گر تفاوت ماهوی در نمازهایی است که افراد با درجات مختلف اقامه می‌نمایند. روایت بعدی که از امام موسی بن جعفر علیه السلام است، در بیان علت تکبیرات افتتاحیه می‌باشد که ما مضمون آن را نقل می‌کنیم؛ حضرت می‌فرماید: پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی به معراج می‌رفت هفت حجاب را از سر راهش برداشت که با رفع هر حجابی تکبیری گفت و خداوند بدین وسیله او را به منتهای کرامت نایل نمود. این روایت نیز همان گونه که ملاحظه می‌شود بیان‌گر سری از اسرار تکبیرات است. (آیت الله جوادی آملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۲)

### سرنیت

ابتدا، در این صله، مفهوم نیت بازگو شده است؛ به این صورت که منظور از نیت، قصد عنوان، مانند صلاة ظهر یا عصر یا مانند ادای دین در امر معاملی نیست کما اینکه مراد، قصد وجه مثل وجوب یا استحباب نیز نمی‌باشد بلکه مراد، خصوص قصد قربت به خداوند سبحان می‌باشد، زیرا این قصد، مدار بحث‌های عرفانی، کلامی و اخلاقی پیرامون صلاح و فلاح قلب می‌باشد. در این زمینه آیات و روایات زیادی رسیده است، از آن جمله آیه ۲۶۴ بقره، آیه ۲۶۵ بقره، آیه ۱۶۳ و ۱۶۲ سوره انعام (آیت الله جوادی آملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۹).

### سرقرائت

آنچه در نماز معتبر است، قرائت فاتحه‌الکتاب و سوره است که در دو رکعت اول معتبر بوده و در رکعت سوم و چهارم واجب نمی‌باشد. از اشاراتی که به اسرار موجود در آیات قرآن، شده، آیه ۴ سوره زخرف است. مؤلف با بیان تفسیر این آیه و توجه به تک تک فقرات آن جنبه سر بودنش را روشن می‌سازد. ایشان نظام عینی را مبتنی بر علیت و معلولیت می‌داند و در این رابطه به روایتی از امام علی علیه السلام نیز استناد می‌جوید و در معنای آن روایت می‌فرماید: هر موجودی که وجودش عین ذاتش نباشد، معلول خواهد بود، به خاطر آنکه وجودش محض ذاتش می‌باشد و شکی در لزوم قوی بودن علت از معلول نیست و با این وجود بعضی از اهل معرفت گفته‌اند «بسم الله» از سوی بنده به منزله

کن» از سوی رب می‌باشد. از دیگر مطالبی که در مورد «بسم الله» گفته شده، این است که «بسم الله» به اسم اعظم از قرابتی که سفیدی چشم به سیاهی آن دارد نزدیک‌تر است. پس یک نمازگزار با معرفت که مراعات آداب نماز را کرده و با حکمت آن آشناست، یقیناً با توجهی تام این جمله را بر زبان جاری کرده و آن را به منزله «کن» از سوی خداوند متعال می‌شمارد.

توجه به اسراری که در تک تک آیات سوره حمد وجود دارد، باعث عروج یک نمازگزار می‌گردد. صیغه متکلم مع الغیر بودن نعت و نستعین از نکاتی است که مفسران و بزرگان از علما، در مورد آن به اظهارنظرهای باارزشی دست زده‌اند؛ مؤلف، نیز در این جا به این احتمال اشاره می‌کند که نمازگزار با این تعبیر خود را در ردیف سایر عبادت کنندگان قرار می‌دهد؛ چرا که امر خداوند در آیه ۴۳ سوره بقره است. اما آنچه از مجلسی اول در این جا نقل شده جالب‌تر است و آن اینکه قلب و سایر اعضا و جوارح مؤمن به امام خود که همان عقل قاهر است، اقتدا نموده‌اند، زیرا مؤمن به تنهایی جماعت است. (آیت الله جوادی آملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۹)

### سر قیام، ورکوع و سجود

نماز، همان گونه که ذکر و قولی دارد، حال و فعلی هم دارد که هر یک از آنها دارای سری می‌باشند. مؤلف، می‌گوید: همان گونه که قبلاً گفتیم برای رسیدن به اسرار نماز تنها راه، کشف صحیح و نقل معتبر می‌باشد و عقل راهی برای پی بردن بدانها ندارد. حالات نماز، اعم از قیام و رکوع و سجود، ریشه در حالاتی دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله در معراج پیدا کرده؛ بود حضرت بعد از وضو و غسل از چشمه صاد که قبلاً به آن اشاره شد و قرآن در آیه اول سوره ص بدان اشاره دارد (آیت الله جوادی آملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۵۵).

### سر قنوت، تشهد و تسلیم

سر قنوت، تشهد و تسلیم: صله پنجم در بیان سر موارد مذکور است. مؤلف در این جا می‌فرماید: شکی نیست که نظام تکوین بر طاعت و هدایت استوار بوده و مجالی برای عصیان و گمراهی نیست، زیرا زمام تمام موجودات به دست خداوند و او نیز

بر صراط مستقیم است و هر چیزی که زمامش به دست صاحب صراط مستقیم باشد، ناچار هدایت شده خواهد بود؛ آیه ۵۶ سوره هود نیز بر آن دلالت دارد. و آنچه از گمراهی و عصیان در موجودات مشاهده می‌شود، همگی در عالم تشریح می‌باشد. عباداتی مانند نماز نیز برای تطابق این دو نظام؛ یعنی نظام تکوین و تشریح معین گردیده‌اند و به همین جهت در نماز افعالی وجود دارد که تمثیل نظام تکوینی می‌باشند؛ از جمله این حالات قنوت است که عبارت از ابتهال و تضرع می‌باشد. (آیت الله جوادی آملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۷۲)

### اسرار تعقیبات نماز

تعقیبات نماز هم دارای اسرارند که دعای آنها بوده و شروع و پایان نماز با دعا نشان از حال بندگی برای خداوند سبحان دارد (آیت الله جوادی آملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۸۳).

### حقیقت اسرار حج از دیدگاه آیت الله جوادی آملی

امام صادق (علیه السلام) در بیان برخی اسرار حج که ترسیم‌کننده چهره باطنی حج است فرمود: «چون اراده حج کردی، پیش از عزم بر سفر، دل خود را از هر کار و از هر حجایی خالی کن و همه کارهایت را به آفریننده‌ات واگذار و در همه حرکات و سکونهایت بر او توکل کن و تسلیم قضا و فرمان و تقدیر او شو و دنیا و رفاه و آسایش و نیز مردم را وداع گو و حقوقی که از مردم بر گردن داری ادا کن و بر زاد و راحله و یاران و قوت و جوانی و مال خود تکیه مکن. چه بسا همین‌ها دشمن و وبال تو گردد؛ زیرا هر که به گمان خویش خواهان خشنودی خداوند باشد اما بر چیزی جز او اعتماد ورزد دشمن و وبال او گردد، تا بداند که او را نیرویی نیست. پس تو را و نیز هر کس دیگر را چاره و گریزی جز در پرتو عصمت و نگهبانی خداوند و توفیق او نیست. آنگاه خود را مهیا کن چونان کسی که امید به بازگشت ندارد. خوش معاشرت باش و اوقات فریاض خدا و سنن پیامبرش (صلی الله علیه و آله و سلم) و آنچه از ادب و تحمل و صبر و شکر و شفقت و سخا و ایثار زاد که بر تو واجب است، در همه اوقات رعایت کن. سپس با آب توبه خالصانه، گناہانت را بشوی و جامه صدق و صفا و خشوع دربر کن و از هر آنچه که تو را از یاد خداوند مانع می‌شود و از اطاعت او باز می‌دارد، دوری کن؛ و لیک گو، بدین معنا

که خدا را پاسخی بی‌آلایش و پاک دادی، چنانکه به ریسمان استوارش چنگ زدی و به قلب خویش با کروی‌بان به گرد عرش طواف کن، همچون طواف خویشتن با مسلمانان بر گرد کعبه؛ و به قصد فرار از هوا و تبری از همه نیرو و توان خویش، هرگونه کن. آنگاه از غفلت و لغزش‌هایت با رفتن به منا، برون آی و آنچه را بر تو روا و حلال نیست و سزاوار آن نیستی تمّی مکن؛ و در عرفات به خطاهایت اعتراف کن. در مزدلفه پیمان خویش را بر وحدانیت خداوند تجدید کن و به او تقرّب جو و از او پروا بدار؛ و با صعود به «جبل‌الرحمة»، با روح خویش به ملاً اعلیٰ فراز آی و به هنگام قربان کردن، گلوی هوا و آرز را بُر؛ و به هنگام سنگ‌زدن به جمرات، شهوات و خساست و دنائت و زشتی را رمی کن و با تراشیدن مویت عیبهای آشکار و نهان را ببر. سپس با ورود به حرم، از پیروی خواست خویش در امان خداوند و حمایت و نگاهداشت و حفظ او گام‌نه؛ و کعبه را زیارت کن در حالی که صاحب آن را بزرگ می‌داری و به جلال و قدرت او آگاهی؛ و حجرالأسود را به نشان اینکه به قسمت او خشنودی و در برابر عزّت او سرافکنده‌ای استلام کن و با طواف وداع، با هر آنچه جز اوست بدرود گوی و با وقوف خویش بر کوه صفا روح خود را برای دیدار خداوند در روزی که دیدارش خواهی کرد پالوده ساز و در کوه مروه با پیراستگی از گناهان، نسبت به خداوند صاحب مروّت باش. بدان که خداوند حج را واجب نفرمود و از بین همه طاعات آن را با اضافه کردن به نام خویش ویژه ساخت، و در خلال مناسک، سنتی از برای پیغمبرش تشریح نکرد، مگر برای آمادگی و اشاره به مرگ و قبر و بعث و قیامت که این همه از آغاز تا انجام اشارتی است برای عاقلان و خردمندان» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۶، ص ۱۲۴).

### نزول حج از خزاین غیب

عبادات و از آن جمله حج، مانند دیگر موجودات عالم، از خزاین غیب الهی نازل شده است و همانند سایر موجودها به واقعیتهای تنزل‌یافته از مخازن غیب متکی است (سوره حجر، آیه ۲۱). پس کسی که این امور عبادی را بشناسد و بدانها عمل کند، به ریشه آنها که همان مخزن غیب است می‌رسد. روایتی که پیش از این درباره صورتهای باطنی اعمال عبادی، گذشت ناظر به همین معناست و انسان در برزخ نزولی یا برزخ صعودی با آن

واقعیتها آشنا می شود. البته اوحدی از انسانها قبل از تنزل حقایق آن اعمال به این عالم، به آنها (در برزخ نزولی) آگاهی دارند؛ چنانکه سایر مردم بعد از مرگ (در برزخ صعودی) به حقیقت نماز و حج و زکات پی می برند و آنها را در صورتهای ملکوتیشان می بینند. آنچه در مخزن غیب است، مجرد بوده، مصون و منزّه از نقص و عیب است. با توجه به این نکته، اگر کسی بداند که حقیقت و سرّ نماز و حج و سایر عبادات، اموری ملکوتی است و نماز گزار و حج گزار واقعی، با این امور ملکوتی هم پرواز و همسفر است و فرشتگان قرین و همراه اویند، هنگام اقامه نماز و انجام آن، با نیت برتری در آن وارد شده، به آن می پردازد. برای جای جای حرم و نیز مناسک حج و عمره اسرار و رموزی است که جز برای زائران خاص که صاحب خانه را در مجالی گوناگون مشاهده کرده، به دیدار ربّالیت و شهود آیات آفاقی و انفسی آن و امثال حج ابراهیمی و اعتمار ناب حسینی (علیهما السلام) نایل می شوند مکشوف نخواهد بود.

### سرّ حج در سیر الی الله

خدای سبحان در تعبیری ویژه درباره حج در سوره آل عمران، آیه ۹۷ می فرماید همان گونه که حج برای خدا و وجوب آن از طرف اوست، انجام آن نیز باید «الله» باشد. پس اگر کسی به قصد سیاحت، تجارت و مانند آن، اراده حج کرد، چنین حجبی که سیر الی الله نیست سرّی ندارد؛ زیرا مهمترین سرّ حج سیر الی الله است. چنانکه در بعضی از روایات، آیه ۵۰ سوره ذاریات بر «حج» تطبیق شده است (شیخ حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۵). سفر حج، فرار از غیرخدا به سوی خداست و چون خدا همه جا هست: همچنان که در سوره زخرف، آیه ۸۴ و سوره بقره، آیه ۱۱۵ معنای «سیر الی الله»، سیر مکانی یا زمانی نیست. فرار به سوی خدا بدین معناست که انسان ماسوی الله را ترک کرده، خدا را طلب کند. پس اگر کسی حج را به قصد تجارت یا شهرت و مانند آن انجام داد، فرار «عن الله» کرده است، نه فرار «الی الله». اگر کسی به زاد و راحله، کسب و کار و همراهان خود تکیه کند، فرار به سوی همراهان کرده است، نه فرار به سوی خدا. سفر به سفره خود کرده است، نه سفر به سفره ضیافت الله. خلاصه اینکه، یکی از اسرار حج آن است که انسان از غیر خدا بریده، به سوی خدا هجرت کند تا به لقای او نایل آید و این از هنگام تهیه

مقدمات آغاز می‌شود. کسی که لباس احرام فراهم می‌کند، مالش را تطهیر، وصیتنامه‌اش را تنظیم و از بستگانش خداحافظی می‌کند، همه این امور را با عنوان فرار إلی الله انجام می‌دهد. قهراً در همه این حالات با خداست. سیر چنین کسی «إلی الله»، «فی الله»، «مع الله» و «الله» است. از این رو در بعضی از دعا‌های حج و مانند آن آمده است: «بسم الله وبالله و فی سبیل الله و علی ملة رسول الله» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۶، ص ۱۲۰).

### تزکیه روح در پرتو شناخت اسرار

تعلیم کتاب و حکمت که در آیه ۱۲۹ سوره بقره آمده، هم عقاید و اخلاق و اعمال عبادی را شامل است و هم مسایل اقتصادی، سیاسی، نظامی و مانند آن را دربرمی‌گیرد. از این رو تزکیه مذکور در آیه نیز برای بیان باطن همه این امور است. پس همانطور که تزکیه هر عمل به سبب نیل به اسرار آن عمل است، هر عملی سرّی دارد که توجه به آن مایه تزکیه روح خواهد بود. بنابراین، بخش مهم تزکیه نفوس در پرتو آشنایی با اسرار عبادتها و دستورهای دینی است. ویژگی و امتیاز حج در این زمینه آن است که اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) و شاگردان آنها درباره اسرار آن، رهنمودهای روشن و سخنان بیشتری بیان کرده‌اند.

### تهذیب نفس در حج

حج، همانند دیگر عبادتها، آداب، سنن و فرایضی دارد که برای تحصیل صفات ثبوتیه و پرهیز از صفات سلبیه است. انسان از آن جهت که خلیفه حق و مظهر جمال و جلال اوست، دارای صفات ثبوتی و سلبی است. از این رو موظف است که به «تخلیه» و «تحلیه» بپردازد؛ بدین صورت که ابتدا خود را از رذایل اخلاقی خالی کند و سپس به فضایل اخلاقی مزین سازد و جلوه جمال و جلال حق شود. حج بهترین فرصت برای تأمین این هدف است؛ زیرا حج برای تهذیب نفس است. محرّمات حج برای تطهیر قوایی است که حیثاً گرفتار عصیان و تباهی می‌شود؛ چنانکه در آیه ۱۹۷ سوره بقره به سه مورد از محرّمات حج که هر یک در تطهیر یکی از آن قوای نفسانی نقش دارد اشاره می‌کند؛ یعنی «لا رَفَثَ» به پاک کردن قوه شهویه مربوط است و «لا فسوقَ» به تطهیر قوه غضب برمی‌گردد و «لا جدالَ» ناظر به تهذیب قوای فکری است، و با طهارت این قوای سه‌گانه

همه کارهای انسانی پاک می‌شود؛ زیرا هر کاری که از انسان صادر می‌شود با تحلیل دقیق به یکی از سه قوه بر می‌گردد و تفصیل آن بر عهده علم اخلاق است. نکته دیگر درباره آشنایی با اسرار عبادات اینک، زائر بیت‌الله به هر میزان که به اسرار حج آگاه باشد، حج او خالصانه و خلوص او مشروحتراست؛ زیرا خلوص که معیار بهره‌مندی از ثواب و شأنی از شئون عقل عملی است، مسبوق به معرفت است و معرفت از شئون عقل نظری است. شخص سالک باید ابتدا مراحل عبادی را بفهمد، تا برابر فهم و معرفتش، اقدام خالصانه داشته باشد. پس بدون آشنایی به اسرار اعمال، پیمودن مراحل کامل اخلاص، میسر نیست.

### راز دشواری فهم اسرار حج

راز بسیاری از عبادات بر انجام‌دهندگان آنها پوشیده نیست: نماز ذکرهایی دارد که معنای آن روشن است، و رکوع و سجودی که تعظیم را تفهیم می‌کند و تشهدی که همراه با اعتراف به وحدانیت حق و رسالت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است. روزه پرهیز از مشتتهیات است. تأثیر آن در همدلی و همدردی و هماهنگی با مستمندان و یادآوری فشار گرسنگی و تشنگی بعد از مرگ، مشهود است. هم منافع طبّی و دنیایی آن و هم منافع معنوی آن در جهت تهذیب روح معلوم است. همچنین آگاهی از منافع زکات، که انفاق و تعدیل ثروت و رسیدگی به حال مستمندان و ضعیفان است و نیز ثمرات جهاد و مرزداری و دفاع در برابر تهاجم بیگانگان دشوار نیست، لیکن پی‌بردن به راز مناسک حج دشوار است و اسرار بسیاری از آنها با عقل بشری قابل تبیین نیست. از این رو تعبد در حجّ بیش از سایر دستورات دینی است. چنانکه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که به هنگام لبیک گفتن، به خدا عرض کرد: خدایا! من با رقیّت و عبودیت محض لبیک می‌گویم و مناسک حجّ را انجام می‌دهم (فیض کاشانی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۹۷). بنابراین، مراسم و مناسک حجّ با بندگی محض و رقیّت صرف و عبودیت تامّ هماهنگ‌تر است. عبادت اگرچه به معنایی که پیش از این گفته شد، غایت آفرینش است، اما خود بنفسه مقدّمه یقین، و یقین غایت آن است، چنانکه خدای سبحان سوره حجر، آیه ۹۹ اشاره می‌کند مقصود از غایت در اینجا همان هدف والا و منفعت مطلوب است، نه حد و نهایت؛ زیرا حد و نهایت غایت حرکت است، نه غایت آنچه (عبادتی) که برتر و بزرگتر

از حرکت است و یقین مستفاد از عبادت، بی‌هیچ غطلت و غفلتی، خود مبدأ عبادت است. فرق بسیاری است میان عبادتی که به سمت یقین صعود می‌کند و عبادت صادر از یقینی که در آن غایت عقل نظری و غایت عقل عملی متحد شده، شهود بعینه تبدیل به قدرت، و علم بنفسه تبدیل به عمل، و معرفت بذاته سرچشمه اعمال صالح می‌گردد، آنسان که چیزی از عمل صالح و ادب حسن از یقین بازمی‌ماند و از دایره آن بیرون قرار نمی‌گیرد. در چنین صورتی یقین بنفسه خلقی عظیم می‌گردد؛ چون در این حالت هیچ تفاوتی بین شهود و عمل وجود ندارد؛ زیرا خلُق عظیم بدون شهود تحقق نمی‌یابد، چنانکه عمل صالح و ادب پاک، از شهود جدا نیست، بلکه شاهد، خود از کسانی است که از عبادت سرنمی‌تابند و به ستوه نمی‌آیند (سوره انبیاء، آیه ۱۹). پس شاهد متیقن همان عابد است و او متخلّق به خلقی عظیم است. او خدا را از ترس دوزخش و از شوق بهشتش نمی‌پرستد، بلکه تنها به خاطر عشقی که به خدا می‌ورزد، او را عبادت می‌کند و این همان مقام مکنونی است که جز پاکان بر آن دست نسایند (سوره واقعه، آیات ۷۹ - ۷۸).

### نیل به هدف والای حج

با توجه به مطالب فوق، حج نیز نشانه و فراهم‌آورنده هدف والای عبادت، یعنی یقین است؛ زیرا حج، نور و بصیرت است و از همین رو در روایات آمده است که تارک حج، کور محشور می‌شود و او در دنیا کور است و در آخرت کورتر و گمراهتر. چنانکه امام صادق (علیه السلام) درباره آیه ۷۲ سوره اسراء فرمود: این درباره کسی است که حج واجب خود را تأخیر می‌اندازد و بر این حال می‌میرد: «ذلک الذی یسوف نفسه الحج، یعنی حجة الإسلام حتی یأتیة الموت» (شیخ حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۱۹ - ۱۷) و از آنجا که حج، نور و شهود است، نمایشگر خلُق عظیم می‌باشد. شایان ذکر اینکه، انسان، متخلّق به خلُق عظیم نمی‌گردد مگر آنکه در روح و جان وی جز خالق هستی، هر چیزی کوچک و حقیر شمرده شود. پس آنکه به خلُق عظیم متخلّق شد و خود نیز عظیم گشت اصلاً چیزی نزد او جز خدای سبحان بزرگی و عظمت نمی‌گیرد؛ چون او مظهر اسم عظیم است. در این باره نکته‌ای تکمیلی در بحث از «تلبیه» خواهد آمد. برترین کسی که متخلّق به خلُق عظیم شد، مظهر بزرگترین اسمای الهی، یعنی خاتم‌الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم بود که

خداوند در آیه ۴ سوره قلم بدان اشاره کرده است. یقین خصلت بزرگی است که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بدان متخلق بود؛ چنانکه بنیانگذار کعبه، ابراهیم (علیه السلام)، بدین ویژگی آراسته بود. حاصل اینکه، عبادت، مورث یقین است و حج نیز عبادت خاصی است که مورث یقین، یعنی همان خُلق عظیم است که در آن خُلق و متخلِّق به اتحاد می‌رسند. متخلِّقین به خُلق عظیم از زمره کسانی هستند که امام صادق (علیه السلام) درباره آنان فرمود: هر کس علم آموخت و بدان عمل کرد و برای خدا آن را به دیگران یاد داد، در ملکوت آسمانها «عظیم» خوانده می‌شود: «من تعلّم العلم و عمل به و علّمه الله دُعی فی ملکوت السماوات عظیماً» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۳۵).

سخن مزبور، بدین معناست که عالم عاملِ معلّم، اگر در همه شئونی که بدان وصف شد برای خدا باشد، در باطن آسمانها وی را عظیم خوانند و چه تفاوت بزرگی است میان کسی که خود عظیم است با کسی که فوز عظیم (سوره نساء، آیه ۱۳) و اجر عظیم (سوره آل عمران، آیه ۱۷۲) و فضل عظیم (سوره بقره، آیه ۱۰۵) برای اوست و چه فرق بزرگی است میان کسی که به مقام رفیع (سوره طه، آیه ۷۳) فراخوانده شده، با کسی که به رتبه (سوره قصص، آیه ۶۰) دعوت شده است و چه اختلاف بزرگی است میان کسی که خود صالح است با کسی که کرداش صالح است؛ زیرا صالح کسی است که خداوند راهبر و یاور اوست: (سوره اعراف، آیه ۱۹۶) اما آنکه کار صالح می‌کند از کسی که خداوند را راهبر و یار خود گرفته است، دور است! و چه فرق بزرگی است میان کسی که خود خالص است و خداوند او را برای خویش خالص کرده و از مخلصین است، با کسی که کردارش خالص و از زمره مخلصین است! حاصل اینکه، چنانچه کسی پیش از معرفت به اسرار حج، راهی بیت‌الله شود، گرچه ممکن است بر حسب ظاهر حج او صحیح باشد، لیکن حج کامل و مقبول انجام نداده و ضیافت‌الله نصیب او نشده است؛ زیرا روح چنین حج‌گزاری به خاطر عدم آگاهی به اسرار حج، تعالی پیدا نکرده است. برای آشنایی بهتر و بیشتر با اسرار حج، باید سنّت و سیرت حج‌گزاران راستین، یعنی معصومین (علیهم الصلوة والسلام) به دقت مورد بررسی و تأسی قرار گیرد؛ زیرا آنان در کنار رعایت آداب و سنن و فرایض حج و عمل به احکام ظاهری آن، تکیه‌گاه تکوینی آنها را هم در نظر داشتند.

## هماهنگی سیرت حاجّ با سرّ حجّ

خدای سبحان، حاجّ و معتمر را در شمار شعائر خود در آیه ۲ سوهر مائده آورده است. حاجی از آوان عزم بر زیارت، جزو شعائر الهی است. از این رو هنگام تهیه مقدمات سفر و در مبادی خروجی و ورودی و نیز در ارائه خدمات به او و همچنین هنگام خرید و فروش و مانند آن، در طول سفر حج و عمره، توهین به او و ایجاد مشکلات برای وی جایز نیست. از آنجا که خطاب مذکور عام است، خود حج گزار نیز مکلف است ارج و حرمتی را که خداوند برایش نهاده، پاس بدارد و از اعمال و هن آمیز بپرهیزد. البته روشن است کسی که از سفر حج و عمره، قصد سیاحت، تجارت، شهرت و مانند آن را دارد جزو حُرّمات الهی نیست.

## اوصاف زائران بیت الله

زائرانی دعوت شدگان حقّ و شایسته آن تکریم الهی هستند که واجد شرایط و اوصاف خاصی باشند. قرآن کریم آن اوصاف را هم به نحو عموم بیان کرد و هم مصادیق آن را ذکر فرمود. آن شرایط عام در تعهد الهی معمار و دستیار کعبه، یعنی حضرت ابراهیم و اسماعیل (علیهما السلام) طبق آیه ۱۲۵ سوره بقره بیان شد. و بر اساس آیه ۲۹ سوره فتح، مصداق «راکعان و ساجدانی» که حضرت خلیل و ذبیح (علیهما السلام) مأمور تطهیر بیت الله برای ضیافت آنان شدند، امت راستین رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هستند که در کنار نماز و رکوع و سجود، صلابت ابراهیمی را علیه نمودیان و سران کفر و نفاق و طغیان دارند و رأفت خلیل الرحمان را نسبت به مسلمانان محروم سراسر جهان اسلام دارا هستند. بنابراین، آنکه آلوده «فکر باطل» یا آلوده «عمل طالح» است مهمان بیت طاهر نیست، و آنکه امتیاز طلب و برتری خواه است مهمان بیت مساوات و مواسات نیست، و آنکه بنده هوا و برده هوس یا بنده غرب مستکبر یا نوکر شرق ملحد است مهمان بیت عتیق و خانه آزاد و آزادگی نخواهد بود، و آنکه صدها بت در آستین دارد مهمان بیت توحید نیست، و آنکه رو در خلق دارد و پشت بر قبله، نماز می گذارد مهمان قبله مسلمانان نیست، و آنکه به جای تبرّی از شرک و نفاق و کفر، از متولیان سران الحاد است مهمان مطاف عاکفان نیست، و آنکه در قبال استعمارگر کرنش می کند مهمان خانه راکعان و ساجدان نخواهد بود. چنین

نیست که هر مستطعی که به مکه می رود به اسرار حج آشنا باشد و حج کامل به جا آورد، تنها حافظان سرّ الهی و گنجینه های علوم ربانی که خداوند آنان را بر حفظ اسرار خویش آگاه کرد، از سرّ حکم آگاهند و به آن سرّ می رسند. البته اینکه امام سجّاد (سلام الله علیه) به شبلی فرمود: «... بنابراین، تو نه به میقات رفته ای، نه احرام بسته ای و...»، لسان نفی «کمال» است، نه نفی «صحّت»؛ یعنی ممکن است حج او صحیح بوده، قضا نداشته و در ظاهر، ذمه اش بری شده باشد، لیکن چون به اسرار آن آگاه نبوده و در هنگام عمل، اسرار را قصد نکرده، روحش تعالی پیدا نکرده است؛ زیرا سرّ حج و «صورت» واقعی آن، «سیرت» حاجی و زائر می شود و حقیقت او را می سازد.

### سیرت حیوانی برخی حج گزاران

حقیقت هر کسی را عقاید، اخلاق، اعمال و نیات او می سازد. از این رو حج، همچون سایر عبادات انسان ساز است. پس اگر کسی به سرّ و حقیقت نماز و روزه و حج راه نیافت صورتش صورت آدمی است ولی حقیقت و سیرتش سیرت حیوان ( نهج البلاغه، خطبه ۸۷، بند ۱۲). سریره انسان با سرّ حج هماهنگ است و بر اساس آن ساخته می شود. ابوبصیر می گوید: در یکی از سالها که به حج مشرف بودم در محضر امام باقر (علیه السلام)، با تعجب گفتم: چه بسیارند زائران و چه ناله ها دارند: «ما أكثر الحجج وأعظم الضجج». امام باقر (سلام الله علیه) فرمود: حاجیان اندکند ولی ناله و فریاد بسیار است: «ما أكثر الضجج وأقلّ الحجج». ابوبصیر می گوید: آنگاه آن حضرت دست مبارک خویش را بر چشمانم کشید؛ در این حال آن جمع را حیوانات گوناگون دیدم که تنها انسانهای معدودی در میان آنان بودند: «فنظرتُ فإذا أكثر الناس قردهً وخنزیر والمؤمن بینهم مثل الكوكب اللامع فی الظلماء» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۶، ص ۲۶۱) همچنین در حدیث دیگر است که امام سجّاد (علیه السلام) به زهری فرمود: به نظر شما امسال تعداد زائران چقدر است؟ زهری عرض کرد: چهارصد یا پانصد هزار نفر حج گزار که همگی خدا را قصد کرده اند. امام سجّاد (علیه السلام) فرمود: گرچه ضجّه و ناله زیاد است، لیکن حاجیان راستین بسیار کمند: «ما أكثر الضجج وأقلّ الحجج». آنگاه آن حضرت گوشه هایی از اسرار ملکوت را به زهری نمایاندند، انسان که او سیرت حیوانی بسیاری از افراد را دید. آنگاه امام سجّاد (علیه

السلام) فرمود: «افرادی که ملکوتشان را به شکل انسان می‌بینی، متمسکان به قرآن و عترت و معتقدان به وحی و رسالت و ولایتند». ظاهر و باطن اینان را دین احاطه و تأمین کرده است، از این رو ظاهر و باطنشان انسانی است. اما آنان که قائل به جدایی قرآن و عترت از یکدیگرند و می‌گویند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در تعیین رهبری اجتهاد کرد، مصداق آیه ۱۵۰ سوره نساء هستند؛ زیرا قرآن و عترت جدایی‌ناپذیرند و قرآن منهای عترت، قرآن حقیقی نیست. پس کسی که عترت را نمی‌پذیرد، در حقیقت قرآن را نپذیرفته است. آنها که خواستند راه نزدیکتری انتخاب کنند، به بیراهه رفتند (سوره نساء، آیات ۱۵۱ - ۱۵۰). باطن اینها در حقیقت جحود و انکار حق است و انکار حق به صورت حیوانیت ظهور می‌کند. البته آنچه مذموم است تحول از انسانیت به حیوانیت است، و گرنه حیوانی که از آغاز در حد حیات حیوانی خود خلق شده، مذموم نیست. در ادامه این روایت، امام سجّاد (سلام الله علیه) پس از بیان برخی اسرار حج، فرمودند: افرادی که در باطن و ظاهر، دین را با همه شئون و ابعاد آن می‌پذیرند، نورانی هستند. البته همان گونه که ایمان دارای درجاتی است، مؤمنان نیز درجاتی دارند (سوره انفال، آیه ۴) و (سوره آل عمران، آیه ۱۶۳). گروهی که ایمانشان ضعیف است، نور باطنشان مسیر کوتاهی را روشن می‌کند. آنان که در کمال شدت و قوت ایمانی‌اند، نورشان مسافت و مسیر سیصد هزار سال را که معلوم نیست مراد، سال دنیایی است یا آخرتی روشن می‌کند که این، همه محدوده مسافت آن صحنه است. گروه سوم که متوسطان از اهل ایمانند درجاتشان متفاوت و قلمرو نورشان بین آن حد اقل و «سیصد هزار سال»، مختلف است. خدای سبحان به آنان تا آنجا که شعاع نورشان بتابد، اجازه شفاعت می‌دهد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۶، ص ۲۵۸).

پس حاجی راستین که از اسرار حج آگاه است و در پرتو آشنایی با اسرار ولایت، قرآن و عترت را حقیقتی تفکیک‌ناپذیر می‌داند می‌تواند در قیامت صحنه وسیعی را روشن کرده، در قلمرو شعاع نور خود شفاعت کند و به یاری گرفتاران در صحنه قیامت بشتابد. در آن روز کسانی که حق شفاعت ندارند عاجزند. در آن روز رابطه حکومت نمی‌کند. در آن روز برادر از برادر و فرزند از پدر و مادر فرار می‌کند (سوره عبس، آیات ۳۷ - ۳۴). مانند هنگام خطر سقوط هواپیما در فضا یا غرق کشتی در دریا که هیچ کس به فکر

دیگری نبوده و هر کس به فکر نجات خویش است. آن روز تنها مؤمنان راستین و حج گزاران واقعی که به اسرار ولایت و حج آشنایند از کسی فرار نکرده، به یاری و شفاعت گرفتاران می‌شتابند.

### سیرت حیوانی منکران ولایت

نقش پذیرش یا انکار ولایت معصومین (علیهم السلام) در ساختار سیرت و حقیقت انسان، در روایت گذشته به روشنی بیان شده بود. همچنین در این باره سدید صیرفی می‌گوید: در سرزمین عرفات، در محضر امام صادق (علیه السلام) بودم. مشاهده انبوه جمعیت در حال نیایش و دعا، مرا در این اندیشه فرود برد که آیا همه اینان گمراه و اهل عذابند؟ در این حال، امام صادق (علیه السلام) فرمود: سدید! تأمل و دقت کن. با تصرف آن حضرت مشاهده کردم که باطن بسیاری از آن جمعیت حج گزار، انسانی نیست (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۲۳۵ - ۲۳۴). راز این مطلب همان گونه که در حدیث قبل آمده بود، این است: کسی که نص صریح پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره جانشینی امامان معصوم (علیهم السلام) را از روی علم و عمد نادیده گرفته، انکار کند و معتقد به ولایت آنان نباشد حقیقت او حقیقت انسان نیست.

آنان که از روی علم و عمد احکامشان را از غیر اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) فرا گرفته‌اند گرچه ممکن است برای خدا و نیز با مال حلال به مکه روند و مناسک حج و زیارت را هم به ظاهر بر طبق دستورهای فقهی مذهب خود انجام دهند، لیکن چون به ولایت تکوینی و تشریحی عترت طاهرین ایمان ندارند، باطنشان که انکار ولایت است به صورت حیوانیت ظهور می‌کند. در نتیجه حج و زیارت و سایر عبادات آنها پذیرفته نخواهد شد. صحنه مزبور گرچه در عرفات اتفاق افتاده است، لیکن ممکن است مشابه آن در صفوف طولانی نمازهای جماعت که گاه رقم آنها بسیار است نیز پیش آید و نماز گزار واقعی کم باشد. حاصل اینکه، گرچه ممکن است همه افراد حاضر در مراسم حج در شمار آمار ظاهری به حساب زائران خانه خداوند آیند، لیکن بسیاری از آنان در سرشماری سر و حقیقت افراد که مربوط به اسرار حج است، انسان به شمار نیایند. شایان توجه اینکه، این بحث گرچه در باب حج مطرح است، لیکن به سر ولایت برمی‌گردد، نه سر حج؛ مگر

اینکه گفته شود: از آن جهت که ولایت بر همه اعمال و عبادات پرتوافکن است، حقیقت ولایت به عنوان سرّ اعمال و عبادات ظهور می‌کند. با توجه به همین جایگاه ویژه و نقش اساسی ولایت، در روایات آمده است (شیخ حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۰۷) که والی و امام، دلیل و راهنمای مبانی و خطوط کلی دین، همچون نماز، روزه، حجّ و مانند آن بوده، مُجری و مفسّر و حافظ احکام و حدود الهی است. اوست که متخلّفان را مجازات و امثال‌کنندگان را تشویق و تأیید می‌کند. از همین رو امیرمؤمنان (علیه السلام) در وصیت‌نامه‌اش فرمود: این دو پایه استوار و مشعل فروزان، یعنی قرآن و عترت (ولایت) را همچنان پابرجا و روشن نگاه دارید: «أقیموا هذین العمودین وأوقدوا هذین المصباحین» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۹، بند ۳ و نامه ۲۳، بند ۲ - ۱). پس آنکه حقیقت ولایت را نپذیرد گرچه به نماز، روزه، زکات و حجّ عمل کند، از آن جهت که اعمال او فاقد سرّ است قهراً انسانیت را هم از دست داده است؛ زیرا سرّ عبادات تربیت‌کننده و انسان‌ساز است و اگر کسی به سرّ عبادت راه نیافت سریرت او انسانی نخواهد بود.

### حقیقت سر نماز از دیدگاه علامه طباطبائی

#### بازدارندگی از گناه

نماز بهترین اعمال دینی است که اگر قبول در گناه خداوند عالم شود، عبادت‌های دیگر هم قبول می‌شود و اگر پذیرفته نشود اعمال دیگر هم قبول نمی‌شود، همان طور که اگر انسان شبانه‌روزی پنج نوبت در نهر آبی شست‌وشو کند، آلودگی در بدنش نمی‌ماند، نمازهای پنج‌گانه هم انسان را از گناهان پاک می‌کند و سزاوار است که انسان نماز را در اوّل وقت بخواند و کسی که نماز را پست و سبک شمارد مانند کسی است که نماز نمی‌خواند. علامه طباطبائی در تفسیر آیه ۲۹ سوره عنکبوت بیان داشته: از آنجا که نماز مشتمل بر ذکر خدا است و این ذکر، اولاً ایمان به وحدانیت خدای تعالی و رسالت و جزای روز قیامت را به نمازگزار تلقین می‌کند و به او می‌گوید که خدای خود را با اخلاص در عبادت مخاطب قرار داده و از او استعانت بنما و درخواست کن که تو را به سوی صراط مستقیم هدایت کرده و از ضلالت و غضبش به او پناه ببر. و ثانیاً او را وادار می‌کند بر اینکه با روح و بدن خود متوجه ساحت عظمت و کبریایی خدا شده، پروردگار خود را با حمد و

ثنا و تسییح و تکبیر یاد آورد و در آخر بر خود و هم‌مسلمانان خود و بر همه بندگان صالح سلام بفرستد. علاوه بر این او را وادار می‌کند به اینکه از حدث - که نوعی آلودگی روحی است - و از خبث یعنی آلودگی بدن و جامه خود را پاک کند و نیز از اینکه لباس و مکان نمازش غصبی باشد، پرهیزد و رو به سوی خانه پروردگارش بایستد. پس اگر انسان مدتی کوتاه بر نماز خود پایداری کند و در انجام آن تا حدی نیت صادق داشته باشد، این ادامه در مدت کوتاه به طور مسلم باعث می‌شود که ملکه پرهیز از فحشاء و منکر در او پیدا شود، به طوری که اگر فرضاً آدمی شخصی را موکل بر خود کند، که دائماً ناظر بر احوالش باشد و او را آن چنان تربیت کند که این ملکه در او پیدا شود و به زیور ادب عبودیت آراسته شود، قطعاً تربیت او مؤثرتر از تربیت نماز نیست و به بیش از آنچه که نماز او را دستور می‌دهد دستور نخواهد داد و به بیش از آن مقدار که نماز به ریاضت وادارش می‌کند وادار نخواهد کرد. ( طباطبایی ، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۱۹۸) علامه طباطبایی در تشریح علت عدم بازدارندگی نماز از گناه در نمازگزاران گفته‌اند: پیدایش صفت بازدارندگی از گناه اثر طبیعی نماز هست ولیکن به نحو اقتضاء، نه به نحو علیت تامه تا تخلف نپذیرد و نمازگزار دیگر نتواند گناه کند، بلکه اثرش به مقدار اقتضاء است، یعنی اگر مانع و یا مزاحمی در بین نباشد اثر خود را می‌بخشد و نمازگزار را از فحشاء باز می‌دارد، ولی اگر مانعی و یا مزاحمی جلو اثر آن را گرفت، دیگر اثر نمی‌کند و در نتیجه نمازگزار آن کاری که انتظارش را از او ندارند می‌کند، (مثلاً ممکن است هوا و هوس‌های درونی شخص مانع تأثیر نماز شوند و آن را از اثر بیندازند، نماز چنین فردی در حد توان خود جلوی دشمن درونی را گرفته و مانع از فحشاء و منکر می‌شود، لیکن نفس اماره‌اش قوی‌تر بوده و مانع از این اثرگذاری می‌شود)، خلاصه یاد خدا و موانعی که از اثر او جلو می‌گیرند، مانند دو کفه ترازو هستند، هر وقت کفه یاد خدا چربید، نمازگزار گناه نمی‌کند و هر جا کفه آن موانع چربید کفه یاد خدا ضعیف می‌شود و نمازگزار از حقیقت یاد خدا منصرف می‌شود و گناه را مرتکب می‌شود. ( طباطبایی ، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۰۱)

### حقیقت سر حج از دیدگاه علامه طباطبائی

عبادات که به عنوان هدف آفرینش انسان تعیین شده است اسراری دارد که این سرار غیر از آداب و احکام ظاهری عبادات می باشد. نوعاً عبادات و فرائض الهی با اختلاف درجات فراوانی که نسبت به هم دارند، برای تقویت بعد روحانی و نفسانی و در جهت سیر و سلوک انسان وضع شده تا از عوالم جسمانی به عوالم روحانی تکامل یابند و به مقام قرب الهی برسند. چنان که مرحوم آقامیرزا جواد ملکی تبریزی عارف بزرگ در این زمینه فرموده است: مقصود اصلی از تشریح حج و سائر عبادات، تقویت بعد روحانی انسان است و تکالیف و فرائض الهی از نظر خاصیت اثرگذاری در روح و جان انسان مختلفند. بعضی اثر تطهیر و تخلیه را دارند که ظلمت را از فضای روح و جان بشر دور می کند و بعضی دیگر موجب تحلیه و تزیین جان و وسیله جلب نورانیت می گردد. و دسته دیگر، جامع هر دو اثر (تخلیه و تحلیه) هستند و حج از این دسته سوم است. زیرا حج یک معجون الهی است که جمیع امراض قلوب مثل بخل و استکبار و تنبلی و... را که مانع نورانیت قلب ها هستند، علاج می کند. (ملکی تبریزی، ۱۳۶۳، ص ۱۹۷). بنابراین و با توجه به مطلب فوق، حج از میان عبادات و فرائض الهی، جامع هر نوع آثار و فواید و اسراری است که در عبادات دیگر وجود دارد. چنان که مرحوم علامه طباطبائی در این مورد می فرماید: وقتی که سرگذشت ابراهیم، آن چنان که در قرآن بیان شده را، به دقت مطالعه کنیم می یابیم که این جریان یک دوره کاملی از سیر عبودیت و بندگی خدا و به اصطلاح یک سیر و سلوک معنوی است که بنده از موطن خود تا قرب الهی را می پیماید و با پشت سرانداختن زخارف دنیا و لذائذ و آرزوهای مادی و جاه و مقام و خلاصی از وسوسه های شیطانی به مقام قرب الهی دست می یابد. این وقایع و اعمال و نسک حج گرچه به ظاهر از هم جدا هستند، اما مطالعه دقیق آن نشانگر دقایق آداب سیر طلب و حضور مراسم حب و عشق و اخلاص و بالاخره بیرون آمدن از مقامات دانیه و پیوستن به مقامات عالیه است که هرچه بیش تر در آن وقت شود حقائق تازه تر و نکات لطیف تر عاید انسان می گردد. (طباطبائی، بی تا، ص ۲۹۸) از این رو خداوند متعال هم برای فراهم شدن این سیر بندگی و رسیدن به مقام قرب و حضور الهی و زیارت کعبه حقیقی، به حضرت ابراهیم خلیل

الرحمن و اسماعیل ذبیح الله ماموریت دادند که حریم خانه اش را از هر چیزی که مانع این سیر و سلوک معنوی باشد، پاکسازی نمایند تا زائران الهی در خانه اش صرفا به او بیندیشند و دور او طواف نمایند و از ظلمت ماسوی الله رهایی یابند تا بتوانند در خانه عشق مهمان او شوند و آماده ملاقات با یگانه معبود عالم هستی گردند. چنان که همین اموریت با همین هدف در آیه ۲۶ سوره حج به گونه ای روشن تر و دقیق تر بیان شده است. با توجه به تفسیر بودن (ان) برای (تبوئه) به خوبی استفاده می شود که هدف از تبوئه ابراهیم در کنار خانه خدا، دو چیز است که جامع هر دو این است که این مکان مقدس مرکز عبادت خدا قرار گیرد و هیچ چیز دیگر شریک خداوند قرار داده نشود. لذا و برای تحقق این هدف مقدس، به ابراهیم خلیل الرحمن دو ماموریت داده شد: ای ابراهیم مقصود از جای دادن تو در این جا سکنی گزیدن نیست بلکه، نه تنها خودت نباید هیچ گونه شریکی برای من قرار بدهی - چه شرک خفی و چه شرک جلی - چه این که نکره در سیاق نهی مفید عموم است؛ بلکه باید ساحت قدس کعبه را از هر چه که شائبه شرک می رود پاکسازی نمائی تا دیگران در این مکان فقط مرا عبادت کنند و به هیچ دیگر نیندیشند. این مطلب با عنایت به صدر آیه و تناسب کلمه و موضوع که تطهیر کعبه برای امور عبادی نظیر طواف و عکوف و قیام و نماز می باشد به خوبی فهمیده می شود. مؤید این مطلب روایتی است از امام صادق (علیه السلام) که در تفسیر آیه فرموده است. علاوه بر این استعمال ضمیر متکلم وحده (بی - بیٹی) بیانگر این است که این خانه، خانه خداست پس باید فقط خداوند مورد پرستش واقع شود. (طباطبایی، بی تا، ج ۱۴، ص ۳۶۸) مرحوم علامه طباطبائی در توضیح آیه می فرماید: مراد از آماده ساختن کعبه برای ابراهیم این است که آن جا مرجع عبادت خدا قرار داده شود تا بندگان آن جا را خانه عبادت قرار بدهند، نه این که ابراهیم آن مکان را محل سکنی و زندگی خود قرار دهد. از این رو خانه را به خودش نسبت داد و فرمود «بیٹی» تا اعلان کند که این خانه، کانون توحید و مختص عبادت خداست و هیچ چیز نباید شریک خداوند قرار داده شود و هدف دیگر این بوده که ابراهیم برای کسانی که قصد خانه خدا نموده اند عبادتی را تشریح کند که خالی از هر گونه شائبه شرک باشد (طباطبایی، بی تا، ج ۱۴، ص ۳۶۸ و ۳۶۷). آنچه که این عبادت خالص را فاسد می کند

و از اختصاصی بودن خدا خارج می‌کند و در نتیجه انسان را از بندگی و عبودیت منحرف می‌کند، همان شرک است که خود دارای انواع و اقسام است که در قرآن آیه ۱۳ سوره لقمان ظلم عظیم تلقی شده است.

### منافع نهفته در سر حج

منافع دو گونه است: دنیوی و آخروی؛ منافع دنیوی عبارت است از آنچه سرمایه تعالی حیات اجتماعی انسان باشد و زندگی را رونق دهد و حوائج گوناگون را برآورده سازد و کاستی‌های مختلف در زمینه تجارت، سیاست، ولایت، مدیریت، و آداب و رسوم و سنت‌ها و عادات و همکاری‌های مختلف و همیاری اجتماعی و نظایر آن را جبران کند. هر گاه گروه‌ها و اجتماعاتی از مناطق مختلف زمین، با نژادها و رنگ‌ها و با آداب گوناگون که دارند، گرد آیند و یکدیگر را بازشناسند در حالی که همه بر یک سخن، که سخن حق است، متفق‌اند و پروردگار یگانه را بپرستند و به سوی یک قبله رو کنند، این وحدت روحانی، آنان را به اتحاد ظاهری نیز فرا می‌خواند و همانگونه که گفتارشان یکی است عملشان را نیز همگون ساخته و از صمیم جان به تبادل امکانات و همیاری در حل مشکلات خود خواهند پرداخت و از آنچه در توان دارند در تعاون به یکدیگر بهره خواهند گرفت بدینسان هر جامعه کوچکی به جامعه‌ای بزرگ تبدیل می‌شود و گروه‌ها به یکدیگر می‌پیوندند و توده‌ای عظیم تشکیل داده و نیرو و توان و امکانات خود را بر یکدیگر می‌افزایند، بدانگونه که کوه‌های سر به فلک کشیده در برابر آن تاب مقاومت نخواهند داشت و هیچ قدرت اهریمنی بر آنها فائق نخواهد آمد و بدیهی است که هیچ عاملی چون اتحاد و همبستگی، برای حل مشکلات کارآیی ندارد و دست‌یابی به وحدت و همبستگی جز از طریق تفاهم میسر نیست و برای تفاهم هیچ چیز مانند دین و ایمان نقش نخواهد داشت. اما منافع آخروی؛ عبارت است از تقرّب به خدا و به آنچه عبودیت انسان را در قالب گفتار و عمل متبلور می‌سازد. اعمال و مناسک حج در بردارنده انواع عبادات است؛ چون توجه به خدا و ترک لذائذ مادی و مشاغل زندگی و پیمایش طریق عبودیت با تحمل سختی‌ها و طواف خانه خدا و نماز و قربانی و انفاق و روزه و امثال آنها. . . عمل حج با ارکان و اجزایی که دارد، نمودار کاملی است از آنچه ابراهیم خلیل - علیه السلام -

در مراحل توحید و نفی شرک و اخلاص بندگی، گذشت. بدین ترتیب تاسی به حضرت ابراهیم - ع - و آمدن مردم به زیارت خانه خدا این منافع آخروی و دنیوی را دربر دارد و چون این منافع را دریافتند بدان چنگ خواهند زد، زیرا انسان بدینگونه سرشته شده که خیر و منفعت خود را دوست بدارد و در طلب آن باشد. ( طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، صص ۴۰۶ - ۴۰۵ )

### وجوه اشتراک

این دو بزرگوار استاد و شاگرد هستند ، بنابراین بیشتر نظریات و عقاید و اندیشه های ایشان مشترک و قرین میباشند.

هر دو عارف معتقد هستند، یکی از اسرار حج این است که انسان از غیر خدا بریده و به سوی خدا هجرت کند تا به لقای او نایل آید. این هجرت، از هنگام تهیه مقدمات سفر حج آغاز می شود، پس حج گزار راستین، آن گاه نیز که لباس احرام فراهم می کند، مالش را تطهیر، وصیتنامه اش را تنظیم و از بستگانش خداحافظی می کند، همه این امور را با عنوان «فرار إلى الله» است.

سفر حج برای زائری که به مقصد رسیده و مقصود را در مقصد یافته و بازگشته است ، سیر «من الحق إلى الخلق بالحق» است و او به همراه سیر افقی و آفاقی، سیر انفسی نیز دارد و می یابد که خداوند همواره با اوست : وهو مقم این ما مه . چنین زائری به همراه مهماندار به دیار خود باز می گردد، با نورانیتی که گویی تازه از مادر متولد شده است : مَنْ أَمَّ هَذَا الْبَيْتَ حَاجًّا أَوْ مُعْتَمِرًا مَبْرَأً مِنَ الْكِبْرِ رَجَعَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَهَيْئَةِ يَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ . و مردم موظف اند به زیارت او بروند، پیش از آنکه آن نور الهی حج به سبب آلوده شدن حاجی به گناه از وی زایل شود.

نماز را سفر الی الله و فی الله و من الله میدانند، سفر مؤمن و سالک به سوی خدا، چهار مرحله دارد که در اصطلاح «أسفار اربعه» خوانده می شوند. سالک در این سفرها، مراتبی خاص را می پیماید و به دگرگونی های روحی خاصی دست می یابد.

طی کردن این سفر دارای دو رکن است: اول، رسیدن به مقام طهارت. دوم، رسیدن به مقام فنا در نماز. شرط اساسی آغاز این سفر نیز دور شدن از نجاست های ظاهری و

باطنی و به ویژه رذایل باطنی است. ایشان در تعریف باطن نجاست - که دوری از آن لازمه‌ی سفر است - می‌فرمایند: نجاست، دوری از محضر انس و مهجوری از مقام قدس است و منافعی با نماز است که معراج وصول مؤمنین و مقرب ارواح متقین است.

اسرار نماز که حقیقت آن، عبارت از سفر الی الله و فی الله و من الله است، در سر سلام، مطلبی دیگر معلوم می‌شود و آن، این است که چون سالک در حال سجده، غیبت مطلقه از همه‌ی موجودات برای او دست داد و از همه‌ی موجودات غایب شد و در آخر سجده، حالت صحوی برای او رخ داد و در تشهد نیز حالت قوت گرفت، ناگاه از حال غیبت از خلق، به حضور منتقل شد و ادب حضور را به جای آورد و در آخر تشهد توجه به مقام نبوت پیدا کرد و در محضر ولایت آن سرور، ادب حضور را که سلام شفاهی است، به جا آورد و پس از آن به تعینات نور ولایت که قوای ظاهره و باطنه‌ی خود عبادالله الصالحین است.

## نتیجه گیری

برای نماز غیر از این صورت معنایی است و غیر از این ظاهر، باطنی وجود دارد و ظاهر آن آدابی دارد که رعایت نکردن آنها موجب باطل شدن نماز یا نقصانی در آن می گردد. همین طور برای باطن آن نیز آدابی است که با مراعات نمودن آنها نماز دچا نقصان شده یا باطل می شود و اگر آنها رعایت شود نماز دارای روح ملکوتی می شود و ممکن است پس از بجا آوردن کامل آداب باطنی و قلبی نماز، نماز گزار از سیر الهی نماز اهل معرفت و اصحاب قلوب بهره مند شود. برای نماز آداب قلبی وجود دارد که بدون آن آداب نماز ناقص است.

حج ، یعنی اهنک، قصد، حرکت، هجرت از خانه خود به خانه خدا. حج نشانه ای از رجعت به سوی خداست. حج، در یک نگرش کلی، سیر وجودی انسان به سوی خدا و نمایش رمزی و تجسم عینی فلسفه خلقت بنی آدم است.

حج، تنها عبادتی است که تمام عبادت ها را در بر می گیرد. در حج، نماز، استغفار و توبه معنا پیدا می کند. فلسفه اشک در حج نمودار می گردد. راز و نیاز با خدا، نجوا و هم نشینی با او در کنار خانه اش به اوج می رسد و زائر چون ستاره ای درخشان در آسمان تاریکی ها می درخشد و نامش در دفتر ضیوف الرحمان ثبت می شود. مراتب معنوی حج، که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید و تنزیه نزدیک می نماید، حاصل نخواهد شد مگر آن که دستورات عبادی حج به طور صحیح و شایسته و مو به مو عملی شود.

حج ظاهری دارد و باطنی. نه باطن آن بی ظاهرش شکل درستی می گیرد، نه ظاهر آن بی باطنش به کمال می رسد. همانا حاجی کامل، کسی است که میان ظاهر و باطن جمع نموده، حج او، هم از دلکشی صورت برخوردار باشد و هم از زیبایی سیرت.

مناسک حج و عمره، راز و رمزی دارد که آشنایی و عمل به آن ها دنیایی از معرفت را فرا روی سالک می گشاید و او را به قرب الهی پرواز میدهد. بعضی از این راز و رمزها در سخنان و رفتار عالمان، عارفان و بزرگان علم و ادب نمود پیدا کرده است که دل های آماده مشتاقان عرفان و اخلاق را صفا می بخشد.

## فهرست منابع

- قرآن کریم.  
نهج البلاغه.
۱. ابن شهر آشوب، محمد بن علی بن شهر آشوب سرّوی مازندرانی، ۱۳۷۶، مناقب، انتشارات مکتب حیدریه.
  ۲. ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، چاپ اول، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت.
  ۳. البرقی، احمد، ۱۴۱۶ق، المحاسن، چاپ دوم، المجمع العالمی لاهل البیت، قم.
  ۴. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۶۷، فلسفه عبادت در کلام آیت الله جوادی آملی، قم، سخنرانی در حوزه علمیه.
  ۵. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۷، صهبای حج، قم، نشر اسراء.
  ۶. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، اسرار نهفته در اعمال حج، مجله الکترونیکی اسراء، شماره ۶.
  ۷. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۴، بنیان مرصوص امام خمینی، مرکز نشر اسراء.
  ۸. جوادی آملی، مرتضی، ۱۳۷۶، اسرار نماز، نشریه پاسدار اسلام، شماره ۱۸۹.
  ۹. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱، حکمت عبادات، چاپ نوزدهم، مرکز نشر اسراء، قم.
  ۱۰. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۲، رازهای نماز، چاپ بیست و یکم، مرکز نشر اسراء، قم.
  ۱۱. جوادی آملی، عبدالله، ۱۴۱۴ق، أسرار الصلاة، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
  ۱۲. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۰، صهبای حج، چاپ دوم، مرکز نشر اسراء، قم.
  ۱۳. حق زاده، زهرا، ۱۳۹۶، اسرار اعمال حج در قرآن و سنت، نشریه میقات حج، شماره ۹۹، ص ۲۵-۳۲.
  ۱۴. زارعی سبزواری، عباسعلی، ۱۳۹۱، پرتوی از اسرار حج، انتشارات جامعه مدرسین قم، موسسه نشر علوم اسلامی.

۱۵. زحیلی، وهبه؛ رهبر، محمد تقی، ۱۳۷۳، نگاهی به اسرار حج، مجله میقات حج، شماره ۱۰.
۱۶. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن بن علی بن محمد بن حسین، ۱۴۱۴ق، وسائل الشیعه، انتشارات آل البیت.
۱۷. صیدانلو، فاطمه؛ آراسته، محمد، ۱۳۹۱، اسرار نماز، همایش منطقه ای نماز، از محراب تا معراج، بندرگز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرگز.
۱۸. طباطبایی سید محمد حسین، ۱۳۷۴، تفسیر المیزان، موسوی همدانی سید محمد باقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، پنجم، ج ۱۶.
۱۹. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر همدانی، قم، انتشارات اسلامی، پنجم.
۲۰. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۸۶، تفسیر المیزان، قم، انتشارات اسلامی.
۲۱. طباطبایی، علامه محمد حسین، بی تا، المیزان، ج ۱، قم، منورات جامعه مدرسین.
۲۲. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۶۶، تفسیر المیزان، مصباح یزدی، محمد تقی، ج ۶، چاپ نو، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، تهران.
۲۳. فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۳۸۳، محجّه البیضاء، جامعه مدرسین، قم.
۲۴. قرائتی، محسن، ۱۳۹۸، پرتوی از اسرار نماز، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۲۵. کلینی، محمد، ۱۴۰۱ق، کافی، ج ۳، دار صغب دار التعارف، بیروت.
۲۶. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، دار الاحیاء التراث، بیروت.
۲۷. ملکی تبریزی، آقا میرزا جواد، ۱۳۶۳، المرآتبات، قم، دارالمثقف المسلم، ص ۱۹۷.
۲۸. نوری، ابراهیم؛ نیک پناه، منصور، ۱۳۹۴، عبادت از دیدگاه فخر رازی و علامه طباطبائی، دو فصلنامه دانشگاه قم، شماره دوم، ص ۱۳۳-۱۵۵.

